

مکرانی

از تبریز
نوری میلسن راهی مال رو اوت
هستگریزرو و نوشت گردیدن و نوشت
دکتر دکتر داد منش رو نوشت آذربایجان
لوشت دکتر داد منش رو نوشت مدم درک داد
دو و نوشت دکتر داد منش رو نوشت
آذربایجان داد منش رو نوشت ایران رو اوت
مرد آذربایجان داد منش رو نوشت شلتوت داد رو اوت
فرمان تملل در تندیق اختیار نامه قاتل
پیش و روی ایکینچی مینزادران پیغام
کشان آذربایجان است انتخاب کار گران
و زاست
و زرگان دوش لکران آذربایجان
با همکاری ترازه های خواسته هست
اعتنی و نظافتی برویت نمود
اعتنی و نظافتی بازی و باری مادری
اختیار نامه آذربایجان مادری داد
همچنان پایه های خواسته هست
هوقایق پس از ویشنی را شان خواه
داد مادرات ملایت داو و مسئول بایار
معطای خواسته هست
بیش از این بسیارات مقدس
مقطعه و طبقه نمی کش کش در بازیجان
فرم امنیتی تو
نمایند و همانند عذر با همکاری
ارزیخان میلسن سلامت این بزمیک
مقدرات آذربایجان آذربایجان
موحد گردن این بزمیک
بازی ایاندیده داده
دستور فرمان داده
بازی گران آذربایجان
بست و وزیری رو و نوشت کمیته
مزکی حزب نوده ایران کیبه فر کیرون
توده میانی کیبه ایان دهد و هری که آن
توسط و همراهی آذربایجان
روزه ۲۰ خرداد ماهی و پیش در از
شام و دریج اقامه رای داده
شماوات و اراده ایان
دستور فروری و داده
ارمین شاهیان

مطبوعات داخلية

مودم برای روشنفکر ان

لند و آنکه روز بدرگاهان میم از هر چند باشند، برخاسته باید تدبیرهای مددگاری داشتند. این قابل اتفاق نکرد و معملاً کارگزاری مددگاری شفعت بود. این ایام بین ایامی که از این اعصار درآمدند، میرزا علی خان از این حادثه بحکمه و مختاری خواسته بود. از آن حادثه آنکه این خوشی درست میگردید. میرزا علی خان از این حادثه آنکه این خوشی درست میگردید. میرزا علی خان از این حادثه آنکه این خوشی درست میگردید.

مردی را همه اغور خنده بردم و همه
گویی ملادانه سرمی گوچ مردم را
عده اند و این دندره از این اندیشیدن و در هم
کوشک شنید که در دام با اهار گران مردم
نامهای شدند و این طبق نهاده اند و این را ازین
خود افلاطون هنر گیکار و باده باشند
پس از این ازبادت گذشت و همان
ایام ما از خود داشتم بیهداش
د و کان تر بر در زدن و می خود و دیگر
آن عقیقی بینهند و دنی و دو
ن و بندوسته هایی هم هفت را ازین
د و میان شاید کان و حدث و پیکانی

آن شوشنده مادری همچنان دشمن خواهد
گذاشت و آرزو خود نماید دران و اهادیه
که بیش گزینید و وزیر یا پسرنی نمای
گردند.
اما مندراجات شماره دوم مردو
برای روز و شن نکران (اولارا خانشاه)
من نمایند (ام)

فنا، اول که قلم آغاز کار پیش
نماینده همچون شوهر از این افراد
شده و بقیه نماینده همچنان می باشند
بود ولی برای مردم ساقی در میان
روشن نگران مطابق بیشتر باید در رو
از افراد مذکور معاویه ایلان نام داشت
اشتباخت خواه اند که دو شخص را در
ل منابع دیگر هالم عرض نمایم

مکن و پرای آن ها داشت که داده باشد
اگر کوچه را در قاعده کارخانه بازداشند اورس
کارخانه های مخصوص سیستم ماد نزدیک
نهاده و این پرای سیستم ماد را
نهادن کارخانه های مخصوص سیستم ماد
می خواهند و رمضانی اهر احمد
در مراغه

آیا انسان طبیر در دورانه **[طریق]**
نکار و می دردید **[آیا]** در این و نیاز آن **[آیا]** هم
موضوع سیاست جال توجهی داشت **[آیا]** و بود
که این می خواهند **[آیا]** شیخ العین می خواهند **[آیا]**

